

# شکنجه در عصر پهلوی

◆ مهیار خلیلی ◆

خلیلی، مهیار، ۱۳۱۰ -

شکنجه در عصر پهلوی / نویسنده مهیار خلیلی

تهران : موزه عبرت ایران، ۱۳۸۷.

۱۱۲ ص : مصور

۲۰۰۰۰ ریال : ۷-۱۷۸۶-۰۴-۹۶۴-۹۷۸

فیفا

شکنجه و آزار -- ایران -- تاریخ

ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- زندان و زندانیان

موزه عبرت ایران

۱۳۸۷ ۸ ش ۸ / خ ۱۵۴۴ DSR

۹۵۵/۰۸۲۴

۱۳۴۱۱۹۹



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

## شکنجه در عصر پهلوی

مؤلف : دکتر مهیار خلیلی

طرح روی جلد: مهدی صنعتی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: عزیزالله میری

چاپ و صحافی : متیران

لیتوگرافی : هدایت اسکندر

نوبت چاپ: دوم - بهار ۱۳۸۹

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۷-۱۷۸۶-۰۴-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: ۷-۱۷۸۶-۰۴-۹۶۴-۹۷۸

هرگونه استفاده از این اثر با اجازه کتبی از ناشر و مؤلف مجاز است

نشانی مرکز پخش : میدان امام خمینی (ره) - ابتدای خیابان فردوسی - کوچه طبس

- خیابان شهید یار جانی - پلاک ۱۱ - موزه عبرت ایران -

تلفن : ۷-۶۶۷۲۲۰۹۶ - فکس ۶۶۷۲۷۵۹۷

نشانی اینترنتی : [WWW.Ebratmuseum.ir](http://WWW.Ebratmuseum.ir)

## فهرست مطالب

۱۱	..... پیشگفتار
۱۳	..... مقدمه
۱۵	..... کمیته مشترک ضد خرابکاری
۱۷	..... مشت زدن
۱۸	..... انواع مشت زدن
۱۹	..... با مشت بر دهان کوبیدن و شکستن دندانها
۲۰	..... لگد زدن
۲۱	..... لگد زدن بر شکم زن حامله
۲۱	..... زدن لگد به زانو، به شکم و زیر شکم زندانی
۲۲	..... سیلی زدن
۲۴	..... ضربه زدن به سر
۲۵	..... دستبند زدن
۲۶	..... دستبند قپانی
۲۷	..... پابند
۲۹	..... چشم بستن
۳۱	..... آویختن
۳۴	..... آویختن صلیبی
۳۵	..... آویختن وزنه به بیضهها
۳۶	..... بستن به نرده‌های حیاط و دیوارها
۳۶	..... بستن متهمین به یکدیگر و شلاق زدن

- ۳۷ ..... زنجیر کردن زندانی به مدت طولانی
- ۳۸ ..... تازیانه
- ۳۹ ..... انواع شلاق
- ۴۱ ..... با تازیانه به چشم مجروح کوفتن
- ۴۲ ..... تخت شلاق
- ۴۳ ..... لخت کردن و به تخت بستن و شلاق زدن
- ۴۴ ..... دوآیندن زندانی با پای شلاق خورده
- ۴۴ ..... وادار به راه رفتن کردن به صورت دوآیندن
- ۴۵ ..... دوآیندن بر روی برق و یخ با پای زخمی
- ۴۶ ..... کتک زدن به خاطر خندیدن
- ۴۷ ..... استعمال بطری و یا اشیای دیگر در شرمگاه زنان و مقعد مردان
- ۴۸ ..... استعمال باتون برقی
- ۴۸ ..... تجاوز به زندانی
- ۴۹ ..... آلت مردانه را تحت ضربه قراردادن
- ۵۰ ..... لخت کردن و عریان کردن
- ۵۱ ..... باتون زدن یا باتون کاری
- ۵۲ ..... باتون برقی
- ۵۳ ..... تجاوز به عنف
- ۵۳ ..... تهدید به تجاوز متهمین جوان
- ۵۵ ..... سوزانیدن
- ۵۶ ..... با سیگار افروخته سینه را سوزانیدن
- ۵۶ ..... سوزانیدن لب متهم
- ۵۶ ..... بیضه را با فندک سوزانیدن
- ۵۷ ..... الکل ریختن روی شورت متهم و آتش زدن آن
- ۵۷ ..... داغ کردن
- ۵۸ ..... سوزاندن باسن با صندلی داغ
- ۵۸ ..... سوزاندن با شمع و فندک یا کبریت
- ۵۹ ..... فرو کردن سوزن زیر ناخن زندانی و داغ کردن آن

- ۵۹ ..... خاموش کردن سیگار زیر گلو و نقاط حساس بدن
- ۶۰ ..... سوزانیدن بدن به وسیله میله و سیخ
- ۶۱ ..... گرفتن و کشیدن موهای خانمها
- ۶۲ ..... آزار دادن بچه شیرخواره برای گرفتن اقرار از مادر
- ۶۳ ..... دستگیری خانواده دستگیرشدگان با هتاکی و کتک زدن  
خانه افراد را تصرف کردن و در آن جایگیر شدن و اضطراب پدیدار کردن  
برای آنها
- ۶۳ ..... خانواده افراد را به اتفاق متهم دستگیر کردن و همه را به زندان افکندن  
و جدا نگهداشتن آنها
- ۶۳ ..... جناز زندانی کشته شده را پنهان کردن و جایگاه آن را به خانواده نشان  
ندادن
- ۶۴ ..... تراشیدن موهای متهمین به صورت تمسخر و مختلف
- ۶۵ ..... حبس (زندانی)
- ۶۶ ..... سلول انفرادی
- ۶۸ ..... حبس کردن در یک سلول متعفن
- ۶۹ ..... انباشتن زندانیان بر روی هم در جای تنگ
- ۶۹ ..... باز نکردن در سلول برای دستشویی
- ۷۱ ..... تبعید
- ۷۲ ..... اجبار متهم به ایستادن رو به دیوار یا چشم و دست بسته
- ۷۴ ..... اجبار متهم به ایستادن رو به دیوار طوری که سنگینی بدن روی بینی  
متهم بود
- ۷۵ ..... اجبار متهم به ایستادن روی یک گونی خیس با پای لخت پشت در اتاق  
شکنجه
- ۷۵ ..... اجبار متهم به ایستادن و مهار یا بستن آلت وی با نخ یا طناب به دیوار  
یا سقف
- ۷۶ ..... اجبار متهم به ایستادن به مدت طولانی
- ۷۹ ..... کشیدن ناخن با انبر دست
- ۸۱ ..... ادرار کردن در ظرف غذا به علت ممانعت از دستشویی رفتن

- ۸۱ ..... ادرار کردن بر روی متهم
- ۸۳ ..... قفس داغ
- ۸۴ ..... آخوربند
- ۸۵ ..... آپولو
- ۸۶ ..... برچشم‌ها فشار آوردن تا اینکه به شدت دردناک شود
- ۸۶ ..... اعدام مصنوعی (اعدام دروغین)
- ۸۷ ..... هتاکی
- ۸۸ ..... دست را از کتف بیرون کشیدن
- ۸۹ ..... اشکلک (خودکار را لای انگشتان فشار دادن)
- ۹۰ ..... خودکار در گوش کردن
- ۹۱ ..... نمک پاشیدن روی زخم
- ۹۲ ..... انداختن در داخل حوض آب
- ۹۲ ..... گذاشتن پا لای در و شکستن آن
- ۹۳ ..... شکنجه روحی روانی جهت شکستن مقاومت
- ۹۳ ..... قلقلک دادن کف پا
- ۹۴ ..... محروم نمودن از استحمام
- ۹۶ ..... وصل کردن جریان برق به زندانی
- ۹۶ ..... پخش نوارهای موسیقی یا صدای بلند
- ۹۷ ..... وادار به عرعر کردن و زندانی دیگر را وادار کردن که دنبال او برود و آنگاه هر دو را با شلاق زدن
- ۹۷ ..... بر روی شکم خوابانیدن و با زانو بر پشت فشار آوردن و سر متهم را به
- ۹۷ ..... سوی بالا کشیدن
- ۹۹ ..... اسامی بازجوها
- ۱۰۱ ..... عکس‌ها

## پیشگفتار

روزی به درخواست دوستی به موزه عبرت فعلی و کمیته مشترک ضد خرابکاری قبلی رفتم. پس از بازدید تصمیم گرفتم که کتابی را برای این موزه از شکنجه‌ها و انواع آنان و نام بسیار کسان تدوین کنم. آن قدر درد فراوان بود و درمان کم که سخت رنج مرا افزود. با این همه با کمک دو دانشجوی گرامی آقایان امیر بابامرادی و حمیدرضا روشن ضمیر و همیاری و محبت فراوان مسئولین محترم موزه و همکاری و یاری فراوان آقایان دانش‌پژوه، وهاج و باروتی این کار را ارائه نمایم. کتاب شامل انواع شکنجه‌های انجام شده، وسایل آن و شرح مختصری از هر شکنجه می‌باشد. این کتاب را تقدیم می‌کنیم به روح همه کشته شدگان این شکنجه‌گاه مخوف و زندانیان رها شده آن.

با تمام خضوع  
مهیار خلیلی

## مقدمه:

هدف آن بود کتاب تاریخ شکنجه‌ای از مشروطیت ایران تا اواخر سال ۱۳۵۷ تدوین گردد. اما وقتی که به قسمتی از اسناد دست یافتیم، آنقدر آن را حجیم و زیاد یافتیم که تصمیم گرفتیم دوره‌های چندی از آن را بازنویسم. دوره آخر سلطنت محمد رضا شاه پهلوی یعنی از سال ۴۹ تا آخر ۵۷ و این دوره آنچنان سیاه و تاریک است که حتی تشعشع نوری از آن ساطع نمی‌شود.

این دوره نمایانگر دستگاه سیاه جنایتی است که بیش از هزاران نفر که قریب به هشت‌هزار نفر آنان از دلیرمردان و تقریباً پانصد نفر آنان از شیرزنان بوده است را در چنگال خود گرفته و رنجی فراوان ایجاد کرد که سیاه‌تر از آن نمی‌توان یافت. درد چنان است که حتی خامه مرا به رنج آورده است. نه اشک و نه فریاد و یا نوشته نمی‌تواند بیان‌کننده رنجی که بر سر مردم ایران آمده است، باشد. چشمه خروشان اشک مرا که با رنج خو کرده بودم و سال‌ها با درد این مردم در سراسر تاریخ پیونده داشته‌ام را نیز خشکانیده است. یک دوره تاریخ کوتاه و این همه رنج؟! ... دژخیمان و شکنجه‌گران برخی معدوم و بعضی به گوشه‌ای خزیده‌اند اما فریاد شکنجه دیدگان و رنج کشیدگان چنان انعکاسی دارد که هرگز



خاموش نخواهد شد.

فریاد آنان را بازنویسی و درد آنان را باز گویم که تا شاید مرهمی باشد بر فروخفتگان درد و ستم. شب‌ناله‌های سرد زندانیان در سلول‌های نمودر و تاریک دوران رژیم پهلوی و مرهم ناپذیری زخمشان در گنبد دوار ایران باقی خواهد ماند تا زنگار شرمی را که بر رخسار تاریخ نشسته است نمایان‌تر سازد. در چهره دژخیمان و قاهرین و ستمکاران و سلاطین سیاهی و نفرت را باز سازد و بس. این کتاب بخشی از تاریخ شکنجه در ایران است که عمدتاً تاریخ هفت سال را در بر می‌گیرد (۱۳۵۷ - ۱۳۵۰). آن زخمی عمیق بر چهره تاریخ معاصر است و درد و رنج و یادی است از کشته شدگان زیر شکنجه، اعدام شدگان و زندانیان. باشد که نوری بر بتاباند بر سیاهکاری‌ها و فروکش نماید رنج مردم را.

این کتاب شامل انواع شکنجه‌ها است و در پایان نام بسیاری از اعدام شدگان، رنج کشیدگان، زندانیان، شکنجه شدگان آمده است، بدون توجه به عقاید و خواست آنها و این که به چه گروهی وابسته بوده‌اند، از سکولار تا مذهبی، از آنکه به خدا معتقد بود و آن که نبود، هر دو در یک جوی خون افتاده بودند.

مهیار خلیلی